

## فصل سوم

### رابطه «سکا» با کشورهای غیر عضو

چنانکه در آغاز بحث اشاره شد، با مراجعه به پرونده‌های مربوط به سازمان کنفرانس در بایگانی وزارت امور خارجه، سندی دال بر رابطه فیما بین «سکا» و سایر کشورهای غیر عضو مبتنی بر قرارداد و نظایر آن به دست نیامد. لذا در این بخش، تنها به آن قسمت از روابط دو جانبه که در قطعنامه‌های اجلاس وزرای امور خارجه کشورهای «سکا» به آن اشاره رفته است، توجه می‌شود.

منشور «سکا» در ماده ۲ از سلسله اهداف خود اشعار می‌دارد؛ «فراهم نمودن اوضاع مناسب برای افزایش همکاری و تفاهم میان کشورهای عضو و کشورهای دیگر<sup>۱</sup>». در این ماده از جمله اهداف مورد توجه کشورهای اسلامی را، «افزایش همکاری و تفاهم میان کشورهای عضو و کشورهای دیگر» می‌داند، آنچه از قطعنامه‌های «سکا» مربوط به کشورهای غیر عضو استنباط می‌شود، میزان احترام کشورهای غیر عضو به مسلمانان و ارزش‌های آنان و همچنین احترام به صلح و آرامش بین‌المللی از سوی این گروه از کشورها، میزان و سطح مناسبات «سکا» با آنها را تعیین می‌کند.

از همه مهمتر، «سکا» با حمایت از مبارزات کلیه ملل اسلامی به خاطر حفظ حیثیت و استقلال و حقوق ملل خویش<sup>۲</sup>، روابط دیپلماتیک خود با سایر کشورها را تنظیم می‌کند. در اینجا به کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی، که به گونه‌ای با کشورهای غیر عضو «سکا»

---

۱. بند ۷ از ماده ۲ منشور «سکا».

۲. بند ۶ از ماده ۲ منشور «سکا».

مربوط می‌شوند، اشاره می‌گردد.

مثلاً در قطعنامه سال ۸۶ با عنوان «اشغال دو منطقه از جمهوری دموکراتیک سومالی توسط اتیوپی»<sup>۱</sup> ضمن اشاره به قطعنامه‌های گذشته اجلاس وزرای خارجه و با اظهار نگرانی شدید از ادامه اشغال دو منطقه از اراضی جمهوری دموکراتیک سومالی توسط اتیوپی، از کشور اشغالگر می‌خواهد که فوراً و بدون هیچ قید و شرطی از دو منطقه مذکور عقب‌نشینی کند.<sup>۲</sup> در این مورد، «سکا» با حمایت از استقلال سومالی در مقابل تجاوز اتیوپی، در واقع به حمایت از کشور عضو سازمان کنفرانس اسلامی می‌پردازد.

در قطعنامه دیگری با عنوان «مشکل مسلمانان در جنوب فیلیپین»<sup>۳</sup> وضعیت اقلیت مسلمان ساکن در فیلیپین مورد توجه قرار می‌گیرد.

در این قطعنامه، از کشورهای عضو «سکا» درخواست می‌شود تا انواع کمک‌های مادی و معنوی خود را به «جبهه آزادی بخش ملی مورو» به عنوان تنها نماینده قانونی «بانگسامورو» گسترش دهند تا بتوانند از اسلام و مسلمین دفاع نموده و در جهت تحقق اهداف عادلانه و مشروع خود بکوشد.

قطعنامه، کلیه اقدامات سرکوبگرانه علیه «بانگسامورو» و نادیده گرفتن حقوق اساسی و انسانی آنها را محکوم می‌کند.

قطعنامه مجدداً، آمادگی خود را جهت ادامه کمک به منظور دستیابی راه حل سیاسی و عادلانه، با توجه به بند چهارم این قطعنامه که تلاش می‌کند از اهرم دیپلماتیک، برای حمایت از مسلمانان بهره‌گیرد، می‌توان نتیجه گرفت که «سکا»، به عنوان یک نهاد بین‌المللی اسلامی تلاش می‌کند که از شخصیت و میراث فرهنگی اقلیت مسلمان - با اهرم‌های سیاسی که در اختیار دارد - حمایت کند. در واقع، چگونگی رفتار دولت فیلیپین با مسلمانان است که سطح و میزان روابط دولت‌های اسلامی عضو «سکا» با دولت این کشور را مشخص می‌کند.

۱. سومالی عضو «سکا» است ولی اتیوپی عضو «سکا» نیست.

۲. قطعنامه‌های شماره P/۱۶/۲۶ - P/۱۳/۴ اجلاس شانزدهم وزرای امور خارجه و چهارم سران اسلامی «سکا».

۳. قطعنامه شماره P/۱۶/۲۸ شانزدهمین اجلاس وزرای امور خارجه.

## فصل چهارم

### رابطه سازمان کنفرانس اسلامی با سازمانهای جهانی

منشور و آیین نامه کار «سکا»، متعرض رابطه ارگانیک خود با سازمانهای جهانی و منطقه‌ای نشده است. اما این به معنای نفی هرگونه رابطه عملی بین «سکا» و سایر سازمانها و نهادهای بین‌المللی نیست.

این سازمان، از آنجا که دارای شخصیت حقوقی بوده و از مزایای این ویژگی برخوردار است، لزوماً دارای رابطه ارگانیک با سایر سازمانهای جهانی و منطقه‌ای، برای حل و فصل مسائل خود و تأمین پاره‌ای از نیازهایش می‌باشد.

«سکا» در مرحله عمل، روابط متنوعی را با سایر نهادهای بین‌المللی برقرار نموده و دائماً در تلاش بوده است که به این روابط توسعه دهد. «سکا» با یکی از گسترده‌ترین سازمانهای بین‌المللی، یعنی سازمان ملل متحد رابطه تنگاتنگی را ایجاد کرده و با گذشت زمان، در پی گسترش آن بوده است.

برای اثبات این مدعا، به مجموعه قطعنامه‌هایی که از سوی کشورهای عضو در اجلاس «سکا» به تصویب رسیده است و بر توسعه و تحکیم روابط این سازمان با سازمان ملل اشاره دارد، استناد می‌کنیم.

در شانزدهمین اجلاس وزرای امور خارجه «سکا»، قطعنامه‌ای با شماره P/۳۱/۱۶ با عنوان «همکاری بین سازمان کنفرانس اسلامی و سازمانهای بین‌المللی و منطقه‌ای» به تصویب

اعضا رسید.

در مقدمه این قطعنامه، وزرای امور خارجه کشورهای اسلامی با اشاره به روابط گذشته «سکا» با نهادهای مختلف سازمان ملل متحد، به مجموعه قطعنامه‌هایی که از سوی نشست‌های سابق در خصوص تقویت همبستگی بین سازمان کنفرانس اسلامی و سازمان ملل متحد صادر شده، استناد می‌کنند.<sup>۱</sup>

در این مقدمه، همچنین به قطعنامه‌هایی که از سوی مجمع عمومی در خصوص همبستگی سازمان ملل با «سکا» صادر شده تأکید شده است.<sup>۲</sup>

سپس وزرای امور خارجه کشورهای اسلامی، ضمن ابراز تمایل بر تقویت همکاری‌های دو جانبه به منظور حل مشکلات جهانی در زمینه صلح و امنیت جهانی و خلع سلاح و استعمار زدایی و تأکید بر حقوق اساسی افراد و ملت‌ها و ایجاد نظام اقتصادی عادلانه جدید جهانی، خواهان افزایش همبستگی بین «سکا» و سازمانهای تخصصی و آژانس‌های دیگر سازمان ملل متحد شده‌اند.

در ادامه، به توافق مورخه ۱۵ ژوئیه ۱۹۸۳ میلادی بین نمایندگان «سکا» و نمایندگان دبیرخانه‌های سازمان ملل متحد و آژانس‌های مختلف تابعه آن، خصوصاً در مورد گسترش ارتباط بین نهادهای اصلی سازمان در زمینه‌های مختلف، تأکید شده است. ضمناً به توافق دیگر بین دو سازمان، که در مورخه ۳۰-۳۱ ژوئیه ۱۹۸۵ در ژنو صورت گرفته، اشاره رفته است.

شایان ذکر است، توافق مزبور در مورد بررسی اولویت‌های پنجگانه همکاری بین نمایندگان دبیرخانه «سکا» و سازمان ملل، انجام شده است.

پس از مرور بر سوابق رابطه دو جانبه «سکا» با سازمان ملل متحد، وزرای امور خارجه کشورهای عضو «سکا»، قطعنامه‌ای را با شماره P/۱۶/۳۱ به تصویب رساندند. این قطعنامه

---

۱. قطعنامه‌های صادره از سوی «سکا» در مورد همبستگی با سازمان ملل، عبارتند: از ۱- P/۱۴/۶ - ۲ - P/۳۴/۱۲ - ۳ - P/۲۰/۱۳ - ۴ - P/۲۸/۱۴ - ۵ - P/۲۷/۱۵.

۲. قطعنامه‌های مجمع عمومی سازمان ملل، در خصوص همبستگی این سازمان با «سکا» عبارتند از: ۳۲/۶۹، ۳۵/۳۶، ۳۶/۲۳، ۲۸/۴، ۳۹/۷، ۴۰/۴، ۳۷/۴.

متضمن نکاتی است که ذیلاً به فرازهای برجسته آن اشاره می‌شود:

۱- اظهار خشنودی اعضا از گزارش دبیرکل، «سکا» در خصوص همکاری بین دو سازمان.  
۲- اعضا، از گزارش دبیرکل سازمان ملل متحد در مورد همکاری «سکا» و سازمان ملل متحد در جهت یافتن راه حلی برای مشکلات کشورهای در حال توسعه، ابراز خشنودی می‌کنند.  
۳- اعضا از دبیرکل «سکا» درخواست می‌کنند که وی تلاش نماید تا زمینه‌های همکاری بین دو سازمان، از طریق مذاکره و امضای موافقتنامه‌های همکاری دو جانبه و گسترش روابط دو سازمان، به منظور اجرای قطعنامه‌های اجلاس ژنو مورخ ۱۵ ژوئیه ۱۹۸۵ میلادی، گسترش یابد.

۴- اعضا، از دبیرکل درخواست می‌کنند که همکاری دو سازمان در راه پیشرفت در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را گسترش دهد.

۵- از کشورهای اسلامی عضو سازمان ملل درخواست می‌کنند تا کمکهای خود به دبیرخانه سازمان ملل، به منظور ایجاد هماهنگی بین دو سازمان و مؤسسات و آژانسهای تخصصی آن را افزایش دهند.

۶- اعضا، تعیین دقیق زمان و مکان برگزاری اجلاس مشترک را مورد تأکید قرار می‌دهند.<sup>۱</sup>

با عنایت به مقدمه و قطعنامه شانزدهمین اجلاس وزرای امور خارجه، که چکیده‌ای از سوابق رابطه دو سازمان را ذکر می‌کند، این واقعیت آشکار می‌گردد که نه تنها این دو سازمان، از روابط دو جانبه برخوردارند بلکه تلاش می‌کنند تا این رابطه را در جهت رفع کاستی‌های خود، که به تنهایی قادر به جبران آن نیستند، گسترش دهند.

تا آنجا که به سازمان ملل متحد مربوط می‌شود از جمله اهداف اصلی این سازمان، تأمین صلح و امنیت بین‌المللی است. تأمین این هدف از جنبه منطقه‌ای آن، بدون مساعدت

---

۱. استفاده از مجموعه قطعنامه‌های اجلاس چهارم سران و شانزدهمین وزرای خارجه کشورهای اسلامی، ص ۱۰۱ الی ۱۰۳ با عنوان «همکاری «سکا» با سازمانهای بین‌المللی و منطقه‌ای»، بایگانی وزارت امور خارجه.

کشورهای اسلامی عضو «سکا» میسر نمی‌شود. کشورهای اسلامی بخش وسیعی از مناطق خاورمیانه، جنوب شرقی آسیا و شمال آفریقا را به خود اختصاص داده‌اند. بدون تردید، تأمین صلح و امنیت در این مناطق بدون مشارکت و همکاری کشورهای اسلامی - که همگی عضو «سکا» هستند - ممکن نیست. با توجه به این امر مهم، سازمان ملل متحد سعی می‌کند که هر چه بیشتر روابط خود را با «سکا» گسترش دهد تا در این راستا، بخشی از امنیت بین‌المللی را تضمین کند اما آنچه علاقه «سکا» برای بسط روابطش با سازمان ملل متحد را افزایش می‌دهد علاوه بر تأمین صلح و امنیت بین‌المللی بر اساس عدالت<sup>۱</sup>، تلاش برای از بین بردن تبعیض نژادی و استعمار با اشکال گوناگون<sup>۲</sup> آن، که مورد تأیید سازمان ملل است، می‌باشد. نکته‌ای که نباید آن را نادیده گرفت تمایل «سکا» برای بهره‌مند شدن از نفوذ و اعتبار سازمان ملل است که قدرتهای بزرگ جهانی، از اعضای این سازمان هستند و سهم اصلی، در ایجاد و استمرار این نفوذ را برعهده دارند.

البته یک پارامتر عمده که «سکا» را برای تحکیم روابطش با سازمان ملل تشویق می‌کند، حضور فعال قاطبه کشورهای جهان در سازمان ملل است. این ویژگی سازمان ملل، موجب شده تا «سکا»، برای افزایش همکاری و تفاهم با دیگر کشورها، با این سازمان روابط اختصاصی داشته باشد. آنچه بیان شد، علل تئوریک رابطه «سکا» با سازمان ملل متحد بود اما در جنبه کاربردی، علل دیگری را می‌توان برای بسط روابط دو جانبه یافت.

از آنجا که همه اعضای «سکا»، عضویت سازمان ملل را پذیرفته‌اند، در صورت بهره برداری از توانایی‌ها و قابلیت‌های این سازمان در جهت اعمال نفوذ خود، می‌توانند تأثیرات فزاینده‌ای را در سازمان ملل بر جای گذارند و نه تنها سازمان ملل را برای حفظ صلح و امنیت منطقه‌ای یاری دهند، بلکه از حقوق مسلمانان جهان - به طور اعم و از حقوق کشورهای اسلامی به طور اخص - حمایت کنند، حمایت از حقوق مسلمانان می‌تواند در چارچوب وسیعی نظیر

۱. بند ۴، ماده ۲ از منشور «سکا».

۲. همان، بند سوم.

حمایت از اقلیت‌های مسلمان که تحت فشار کشورهای با رژیم‌های ضد مذهبی و سرکوبگر قرار دارند، شکل گیرد و یاد در ابعاد محدودتری مانند دفاع از ملت فلسطین در مقابل توسعه طلبی‌های رژیم اسرائیل انجام پذیرد. در صورت ترسیم استراتژی برای آینده روابط دو سازمان، کشورهای اسلامی، می‌توانند سازمان ملل را در یک پروسه زمان بندی شده برای حمایت از منافع کشورهای جهان سوم که غالباً مسلمان نشین هستند، سوق دهند. یک جنبه از این استراتژی می‌تواند متوجه جهان گشایی قدرتهای بزرگ در همه ابعادش شود و این قدرتها را به موضع انفعالی بکشاند و از توسعه طلبی آنها در چارچوب سازمان ملل جلوگیری به عمل آورد. البته با توجه به شرایط فعلی، «سکا» هنوز در مرحله نخستین ایجاد رابطه ارگانیک با سازمان ملل است و راه درازی را باید طی کند تا به یک استراتژی حساب شده در زمینه کم و کیف رابطه‌اش با یک سازمان بزرگ جهانی برسد. شاید قسمتی از مشکل، به سابقه و تجربیات محدود «سکا» نسبت به سازمان ملل بازگردد. سازمان ملل متحد پس از پایان جنگ دوم جهانی و در سال ۱۹۴۶ پا به عرصه وجود نهاد و از تجربیات ارزشمند جامعه ملل بهره‌مند شد اما «سکا» در سال ۱۹۶۹، یعنی ۲۳ سال پس از تشکیل سازمان ملل به وجود آمد و از اندوخته‌های لازم تجربی و عملی برای تشکیل سازمانی بر اساس گرایش‌های اسلامی برخوردار نبود. به هر تقدیر، آنچه در خصوص «سکا» حائز اهمیت می‌باشد، وجود پتانسیل لازم برای باز کردن راه خود در میان سازمانهای بزرگ جهانی است. به نظر می‌رسد که «سکا» با بهره‌گیری از عنصر زمان و برنامه‌ریزی اصولی، بر این مشکلات فائق آید.

برای روشن‌تر شدن رابطه ارگانیک «سکا» با سازمان ملل متحد، به بررسی دقیق مسأله می‌پردازیم و به عنوان نمونه، به رابطه ارگانهای فرهنگی «سکا» با یونسکو، سازمان وابسته به خانواده سازمان ملل بسنده می‌کنیم.

در شانزدهمین اجلاس وزرای امور خارجه کشورهای اسلامی که در فاس مراکش تشکیل شد قطعنامه‌ای با عنوان «حمایت از سازمان یونسکو و تأیید اقدامات مدیر کل آن» تصویب شد. در مقدمه این قطعنامه، ضمن یادآوری حمایت اجلاس پانزدهم وزرای امور خارجه از

سازمان یونسکو، این موضوع که سازمان یونسکو عهده‌دار نقش اصلی در زمینه تربیت، فرهنگ و علوم به ویژه حفاظت از میراث فرهنگی اسلام و تربیت در سرزمینهای عربی فلسطین منجمله بیت‌المقدس می‌باشد را یادآور شده است.

اهم نکات قطعنامه شماره ۳۲/۱۶/۲ به قرار زیر است:

۱- حمایت کامل «سکا» از سازمان یونسکو و اهداف انسانی آن، همچنین پشتیبانی از مدیرکل این سازمان.

۲- از کشورهایی که به اهداف انسانی یونسکو معتقدند، درخواست می‌کند برای فعال نمودن این سازمان همکاری کنند.<sup>۱</sup>

این قطعنامه نمایانگر نقطه نظرات دولتهای عضو «سکا» در قبال یک سازمان جهانی از خانواده سازمان ملل متحد است.

با عنایت به مضمون مقدمه و قطعنامه، می‌توان به توجیحات گرایش «سکا» به ایجاد رابطه با سازمان یونسکو پی برد. از آنجا که «سکا» در پی حفظ هویت اسلامی کشورهای عضو این سازمان می‌باشد و در همین راستا، خواستار حفظ هویت عربی اسلامی بیت‌المقدس و اماکن مقدس در سرزمین‌های اشغالی است و از طرفی نمی‌تواند به این هدف، از طریق مداخله در سرزمین‌های اشغالی به صورت مستقیم برسد، لذا سازمان یونسکو را بهترین ارگان برای تأمین هدف خود یافته و از طریق این سازمان که اعتبار جهانی دارد، تلاش می‌کند تا به مقاصد خود در زمینه‌های فرهنگی و اسلامی در سرزمین‌های اشغالی، نایل آید، شاید به همین دلیل است که «سکا» با حمایت از اهداف انسانی سازمان یونسکو، از کشورهای عضو برای فعال کردن سازمان و همکاری دو جانبه دعوت به عمل می‌آورد. نکته جالب توجه اینجا است که سازمان یونسکو در اجلاس یازدهم وزرای امور خارجه «سکا»، به عنوان عضو ناظر حضور یافت<sup>۲</sup>؛ تا از

---

۱. استفاده از مجموع قطعنامه‌های اجلاس چهارم سران و شانزدهمین وزرای خارجه کشورهای اسلامی، تدوین وزارت امور خارجه، اداره مجامع بین‌المللی. ص ۱۰۴ و ۱۰۵ با عنوان «دیدگاه» «سکا» در مورد حمایت از سازمان یونسکو و تأیید اقدامات مدیرکل آن.

۲. اجلاس یازدهم وزرای امور خارجه کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی در همین کتاب.

این طریق در جریان مستقیم تصمیمات سازمان کنفرانس اسلامی قرار گیرد.

البته سازمان ملل متحد نیز از وضعیت مشابهی پیروی می‌کند. این سازمان در هفتمین اجلاس وزرای امور خارجه کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی به عنوان ناظر حضور یافت. نماینده سازمان ملل به شکل مستمر در اجلاس وزرای امور خارجه کشورهای عضو «سکا» به عنوان ناظر، حضور فعال دارد.

همانگونه که سازمان کنفرانس اسلامی، همزمان با تشکیل اجلاسهای مجمع عمومی سازمان ملل متحد، نمایندگانی را به عنوان عضو ناظر به نیویورک اعزام می‌کند.

## فصل پنجم

### رابطه سازمان کنفرانس اسلامی با سازمانهای منطقه‌ای

«سکا» سعی می‌کند روابط چند جانبه خود با دیگر سازمانهای منطقه‌ای را، با الهام از اصول و اهداف پذیرفته شده در منشور سازمان کنفرانس اسلامی تنظیم نماید. سازمان کنفرانس اسلامی، با سازمانهای منطقه‌ای متعددی مناسبات و روابط دو جانبه دارد. این روابط بر اساس اسناد موجود، در چارچوب اعزام نمایندگان به منظور شرکت در اجلاس‌ها به عنوان عضو ناظر، شکل گرفته است. به عنوان مثال، در اجلاس شانزدهم وزرای امور خارجه سازمان کنفرانس اسلامی، سازمانهای منطقه‌ای «اتحادیه عرب» و «وحدت آفریقا» به عنوان عضو ناظر شرکت کردند.<sup>۱</sup>

جدی‌ترین تلاش سازمان کنفرانس اسلامی به منظور ایجاد زمینه انعقاد قرارداد همکاری فیما بین این سازمان و سازمان وحدت آفریقا را می‌توان در بند ۵۷ از مصوبات اجلاس سیزدهم وزرای امور خارجه عضو «سکا» جستجو کرد.

در این بند آمده است: کنفرانس مجدداً بر ضرورت ایجاد همکاری بین سازمان کنفرانس اسلامی و سازمان وحدت آفریقا تأکید می‌کند و تصویب می‌نماید که تلاش‌های انجام شده به منظور امضای قرارداد همکاری فیما بین سازمان کنفرانس اسلامی و سازمان وحدت آفریقا ادامه

---

۱. کتاب «ملف مؤتمرات القمة الإسلامية و مؤتمرات وزراء خارجية دول منظمة المؤتمر الإسلامي»، ریاض، چاپ در شرکت «عبیکان»، مارس ۱۹۸۹، ص ۴۰۰.

یابد<sup>۱</sup>.

البته این نکته را نباید نادیده گرفت که رابطه دو سازمان بین‌المللی، نمی‌تواند به روابط رسمی که از طریق اعزام ناظر صورت می‌پذیرد و یا در چارچوب قراردادهای همکاری برقرار می‌شود، محدود کرد؛ بلکه نوع دیگری از رابطه، که خارج از چارچوبهای فوق است و براساس اعمال نفوذ غیر آشکار و به عبارت بهتر «رابطه معنوی» شکل می‌گیرد، وجود دارد.

این گونه ارتباط را می‌توان در تأثیرات متقابل سازمان کنفرانس اسلامی و اتحادیه عرب بر یکدیگر جستجو نمود. این در حالی است که «سکا» دارای رابطه نیمه رسمی در چارچوب مبادله عضو ناظر با اتحادیه عرب است که به نمونه آن در بالا اشاره شد. همان گونه که گفته شد «سکا» از یک رابطه معنوی با اتحادیه عرب برخوردار است؛ در توضیح این مطلب باید گفت؛ ۲۱ کشور عضو اتحادیه عرب در سازمان کنفرانس اسلامی به شکل دائمی عضویت دارند. این دسته از کشورها از نفوذ قابل ملاحظه‌ای در «سکا» بهره‌مند هستند. بخشی از این نفوذ، ناشی از نقش کشورهای عربی در تأسیس اتحادیه عرب و «سکا» است. گروه کشورهای عربی، به دفعات تلاش کرده‌اند که جهت گیریهای اساسی «سکا» را، از ارزشهای اسلامی به سوی منافع جهان عرب منصرف کنند و بعضاً در این راستا به موفقیت‌های نسبی نیز دست یازیده‌اند.

به طور کلی اتحادیه عرب، چنانکه از نامش پیداست به مسائل جهان عرب، بیش از سایر موضوعات حساس بوده و در مقابل آن از خود واکنش نشان می‌دهد. مواضع منطقه‌ای اتحادیه عرب به دلیل نفوذ معنوی این سازمان منطقه‌ای بفرآیند تصمیم‌گیری در سازمان کنفرانس اسلامی، تأثیرات فزاینده‌ای را بر جای گذاشته است.

برای اثبات این مدعا، در اینجا به چند نمونه از تأثیر متقابل این دو نهاد بین‌المللی اشاره

می‌شود:

این مسائل شامل موضوعاتی نظیر روابط کشورهای عربی با رژیم اسرائیل، جنگ ایران

---

۱. کتاب «ملف مؤتمرات القمة الإسلامية و مؤتمرات وزراء خارجية دول منظمة المؤتمر الإسلامي»، ریاض، چاپ در شرکت «عبیکان»، مارس ۱۹۸۹، ص ۳۲۳.

و عراق و امنیت کشورهای عربی است.

در اینجا تنها به ذکر چند نمونه به منظور اثبات رابطه معنوی و تأثیر متقابل و غیر رسمی سازمان کنفرانس اسلامی و اتحادیه عرب بسنده می‌شود تا بدین ترتیب عمق و ریشه‌های این نوع از رابطه، بر محققین مسائل سازمانهای بین‌المللی آشکار گردد.

پس از انعقاد صلح دو جانبه مصر و اسرائیل، کشورهای عرب منطقه با تشکیل اجلاس اضطراری اتحادیه عرب، این مسأله را مورد بررسی قرار دادند و در سال ۱۹۷۹، مصر را به دلیل تجدید رابطه با اسرائیل از اتحادیه عرب اخراج کردند و مقر اتحادیه را، که تا آن زمان در کشور مصر بود، به تونس منتقل کردند، به دنبال این موضع‌گیری، «سکا» در همان سال طی اجلاس دهم وزرای امور خارجه خود که در مراکش بر پا شد با تصویب قطعنامه‌ای مستقل، عضویت مصر را به حال تعلیق درآورد و شرط بازگشت این کشور به جرگه کشورهای اسلامی را، لغو قرارداد کمپ دیوید و از بین رفتن آثار آن اعلام نمود.<sup>۱</sup>

در تحلیل این مورد باید گفت؛ کشورهای عربی عضو اتحادیه عرب که عضویت «سکا» را نیز دارند با طرح مسأله صلح دو جانبه مصر و اسرائیل در اجلاس دهم وزرای امور خارجه «سکا»، موفق شدند که موافقت سایر کشورهای اسلامی غیر عرب، مبنی بر اخراج رژیم مصر از این سازمان را جلب کنند. اگر چه این مسأله، برای جهان اسلام نیز حائز اهمیت بود اما موضع‌گیری کشورهای عربی، یکی از پارامترهای عمده در به ثمر رسیدن این قطعنامه به حساب می‌آید.

نمونه دیگر از اعمال نفوذ اتحادیه عرب بر «سکا» را می‌توان در طرح صلح خاورمیانه (طرح فاس) جستجو کرد. اتحادیه عرب در دوازدهمین اجلاس سران خود که در سال ۱۹۸۲ میلادی در فاس مراکش بر پا شد، طرح صلح خاورمیانه‌ای را که توسط فهد ارائه شده بود و حق حیات کلیه کشورهای منطقه در داخل مرزهای امن را به رسمیت می‌شناخت، تصویب کرد. متعاقب آن، اجلاس چهارم سران کشورهای اسلامی در سال ۱۹۸۴ در مراکش بر پا شد، این طرح

---

۱. کتاب «ملف مؤتمرات القمة الإسلامية و مؤتمرات وزراء خارجية دول منظمة المؤتمر الإسلامي»، ریاض، چاپ در شرکت «عبیکان»، مارس ۱۹۸۹، ص ۲۲۷-۳۳۴.

در دستور کار اجلاس قرار گرفت و به تصویب دولت‌های عضو «سکا» رسید<sup>۱</sup>. در واقع همان سناریو بار دیگر و با شکل دیگر تکرار شد. «فهد بن عبدالعزیز»، در هر دو اجلاس طرح مذکور را پیشنهاد کرد، محل برگزاری هر دو اجلاس در کشور مراکش بود و بالاخره پادشاه مغرب عربی، در هر دو نشست نقش رابط را در به ثمر رساندن «طرح فاس» بر عهده داشت.

به عنوان حسن ختام در این مبحث، تأثیرات متقابل اتحادیه عرب و «سکا» در خصوص جنگ عراق - ایران را مورد بررسی اجمالی قرار می‌دهیم.

«سکا» با هدف پایان بخشیدن به جنگ ایران و عراق و به منظور استقرار صلح بین دو کشور و تأمین امنیت در منطقه خلیج فارس، تلاش گسترده‌ای را آغاز کرد. این تلاش‌ها با تشکیل کمیته حسن نیت در سال ۱۹۸۰ که وظیفه حل و فصل جنگ ایران و عراق را بر عهده داشت، ادامه یافت. اتحادیه عرب نیز به دلایل مشابهی در سال ۱۹۸۳، کمیته‌ای متشکل از هفت کشور عرب که الجزایر ریاست آن را عهده‌دار بود، تشکیل داد<sup>۲</sup>. اتخاذ سیاست‌های مشابه در خصوص جنگ ایران و عراق از سوی دو سازمان، گویای اهمیتی است که اتحادیه عرب و «سکا»، برای امنیت منطقه و جنگی که در یک طرف آن کشور عراق قرار داشت، قائل بودند.

در این نوشتار، به تطبیق مواضع اتحادیه عرب و «سکا» در خصوص جنگ ایران و عراق خواهیم پرداخت تا در خلال آن به تأثیر متقابل این دو سازمان بر یکدیگر واقف شویم. در اجلاس فوق‌العاده سران عرب که در اوت ۱۹۸۵ در مراکش برگزار شد، دولت‌های عربی در خصوص جنگ ایران و عراق، قطعنامه‌ای را با مضمون ذیل به تصویب رساندند که در اینجا به نکات مهم آن اشاره می‌شود:

کنفرانس نگرانی و نارضایتی شدید خود را از جنگ دو کشور اعلام می‌کند و تأسف خود از پافشاری ایران در ادامه جنگ و انجام حملات پی در پی، به منظور عبور از مرزها و اشغال سرزمین عراق و تسلط بر این کشور، ابراز می‌دارد.

---

۱. اجلاس چهارم سران اسلامی در همین کتاب.

۲. هدف از اشاره به مواضع اتحادیه عرب در قبال جنگ ایران و عراق، بررسی تأثیرات احتمالی جهت‌گیریهای سیاسی اعضای این اتحادیه، به عنوان یک گروه از دولت‌های عرب ذی‌نفوذ، برون‌تصمیم‌گیری در «سکا» است.

کنفرانس اعلام می‌کند که اصرار ایران برای ادامه جنگ علیه عراق موجب می‌شود که کشورهای عربی در روابط خود با ایران تجدید نظر کنند و اقدامات مقتضی را در این خصوص به عمل آورند.

دولتهای عربی عضو اتحادیه عرب در این موضع گیری، آشکارا نگرانی خود را از پیشروی رزمندگان ایرانی در خاک عراق ابراز و تهدید می‌کنند که در صورت ادامه این روند، روابط خود با ایران را قطع خواهند کرد.

پس از ذکر این مقدمه به بررسی مواضع آخرین اجلاس سران «سکا» در خصوص جنگ ایران و عراق می‌پردازیم. پنجمین اجلاس سران «سکا» در شرایطی برگزار شد که ایران، همچنان دست بالا را در جنگ داشت و به پیشروی در خاک عراق، برای نیل به اهداف اعلام شده خود ادامه می‌داد.

پنجمین اجلاس سران اسلامی عضو «سکا» که در ژانویه ۱۹۸۷ در کویت برگزار شد، قطعنامه‌ای با شماره (۳/۶ - ق. ۱) در خصوص جنگ ایران و عراق به تصویب رسانید که در قسمتی از آن آمده است: با توجه به اصول و مقررات حقوق بین‌الملل مربوط به احترام به حاکمیت و ثبات منطقه‌ای و اصل عدم مداخله در امور داخلی دیگران، هرگونه سلطه فهرآمیز بر سرزمینهای دیگران را مردود می‌داند.<sup>۱</sup>

در این بخش از قطعنامه، بدون ذکر نامی از ایران، تلویحاً جمهوری اسلامی به دلیل عدم احترام به حاکمیت عراق و مداخله در امور داخلی این کشور و پیشروی نیروهای ایرانی در خاک عراق، محکوم شده است - البته چنانکه قبلاً ذکر شد، محکومیت به صورت ملایم و به شکل تلویحی بوده است.

آنچه به عنوان نتیجه می‌توان ذکر کرد؛ وجود تأثیرات دو جانبه بین «سکا» و اتحادیه عرب است که در این تأثیرات متقابل، اتحادیه عرب موضع بالا را دارد و سعی می‌کند که موضع گیری خود را با رابحه قومی در هم آمیخته و به آن صبغه عربی - اسلامی دهد تا اسلامی

---

۱. قطعنامه ۳/۶ (ق. ۱) اجلاس پنجم سران، ضمیمه ۵.

عربی.

همانگونه که ملاحظه می‌شود، دولتهای عضو اتحادیه عرب به دلیل گرایش‌ها و تعصبات قومی - عربی به طور صریح از عراق در جنگ این کشور با ایران، جانبداری کرده و جمهوری اسلامی ایران به دلیل اتخاذ موضع دفاعی در جنگ، تهدید به اعمال فشار سیاسی و تجدید نظر در روابط فیما بین می‌کند.

بنابر این نمی‌توان نقش و نفوذ دولتهای عضو اتحادیه عرب در سازمان کنفرانس اسلامی را با توجه به این واقعیت که تقریباً نیمی از اعضای «سکا» را کشورهای اسلامی عرب تشکیل می‌دهند، نادیده گرفت. به عبارت دیگر، حضور گسترده و فعال دولتهای عربی در «سکا» به عنوان یک گروه فشار، می‌تواند بر فرایند تصمیم‌گیری در سازمان کنفرانس اسلامی تأثیرات قابل ملاحظه‌ای را بر جای گذارد.

با عنایت به آنچه از نظر گذشت مواضع دولتهای عضو اتحادیه عرب در قبال جنگ ایران و عراق بیش از آنکه مبتنی بر موازین اسلامی باشد، دارای صبغه عربی بوده و این جهت‌گیری به صورت احتیاط آمیز بر مواضع پنجمین اجلاس سران دولتهای اسلامی در قبال جنگ ایران و عراق به شکل محسوسی تأثیر گذارد.